

تفسیر آیه یازدهم

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّن قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّن نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَن يَكُنَّ خَيْرًا مِّنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِاللُّقَابِ بِئْسَ الْإِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَن لَّمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ.

ترجمه:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نباید گروهی از مردان شما گروه دیگر را مسخره کنند، شاید آنها از این گروه بهتر باشند؛ و نباید زنانی بانوان دیگر را استهزا کنند، شاید آنان بهتر از اینان باشند؛ و یکدیگر را مورد طعن و عیبجویی قرار ندهید، و با القاب نا روا یکدیگر را یاد نکنید، بسیار بد است که بر کسی پس از ایمان، نام ناپسند بگذارید؛ و آنها که توبه نکنند، ستمگر هستند.

شرح:

این آیه شریفه، به برخی از گناهایی که ریشه بسیاری از ناهنجاری‌ها در جامعه است، اشاره می‌کند، و از مسلمانان می‌خواهد تا عوامل بروز اختلاف و دشمنی را ریشه کن سازند، تا اجتماعی سرشار از لطف و صفا و صمیمیت را برای خود رقم زنند.

پیام این آیه بسیار روشن است. اما نکته ای که شایسته است در اینجا توضیح داده شود این است که یکی از انگیزه های ارتکاب گناهایی مانند استهزاء، عیبجویی و به کار بردن القاب زشت، خنداندن دیگران است. بنا بر این، سزاوار است در ذیل این آیه شریفه، به اصول اخلاقی اسلام در زمینه راههای صحیح خنداندن دیگران و به طور کلی، شاد کردن مردم، بدون ارتکاب گناه و معصیت الهی، اشاره داشته باشیم.

این بحث، شامل سه بخش می باشد:

1. ارزش و ثواب شاد کردن مردم.
2. نقش مزاح و شوخی در تلطیف جوّ جامعه.
3. حدّ و مرز، و خطّ قرمزهای مزاح و بذله گویی.

شاد کردن مردم

امروزه در پرتو آمار و ارقام رسمی سازمانهای بین المللی و کشورهای پیشرفته دنیا به اثبات رسیده است که شادی مردم یک کشور، یکی از شاخص های مهمّ توسعه و تعالی آن سرزمین به حساب می آید.

از این جهت، مکتب انسان ساز اسلام، ارزش خاصی برای شادمان ساختن دیگران قائل شده، بلکه آن را به عنوان نوعی عبادت و موجب کسب اجر و پاداش اخروی دانسته است.

در اینجا، روایاتی را در زمینه توصیه پیشوایان اسلام در جهت اهتمام به این امر ارزشمند که در اصطلاح ، به عنوان "ادخال سرور در دل مؤمنین" نامیده می شود، از نظر شما می گذرانیم:

امام صادق (ع) می فرماید:

انّ من احبّ الأعمال إلى الله عزّ و جلّ إدخال السرور على المؤمنين.

یعنی: یکی از بهترین اعمال در نزد خداوند، شاد کردن مؤمنان است.

امام باقر (ع) می فرماید:

تبسّم الرجل في وجه أخيه حسنة، ... و ما عبّد الله بشئ أحبّ إلى الله من إدخال السرور على المؤمن.

یعنی: لبخند یک فرد در نزد فرد دیگر، نوعی کار خیر است، ... و خداوند به هیچ چیز دیگری عبادت نشده است که به اندازه خوشحال کردن مردم در نزد او محبوبتر و پسندیده تر باشد.

امام جعفر صادق (ع) می فرماید:

لا يرى أحدكم إذا أدخل على مؤمن سرورا أنّه عليه أدخله فقط، بل والله علينا، بل والله على رسول الله (ص).

یعنی: یکی از شما گمان نبرد که اگر فرد مؤمنی را شاد کرد، فقط او را خوشحال کرده است، بلکه به خدا سوگند ما را شادمان ساخته، بلکه پیامبر خدا (ص) را خوشحال نموده است.

مزاح و بذله گویی

یکی از روش های شادمان ساختن مردم، لطیفه گویی و مزاح است. از اینرو، روایات زیبایی در زمینه مزاح و نقش آن در تلطیف جوّ گفتگو میان مردم آمده است، که برخی از آنها را یادآور می شویم:

از پیامبر گرامی اسلام (ص) روایت شده است که فرمود:

إِنِّي لَأَمْزِحُ وَلَا أَقُولُ إِلَّا حَقًّا.

یعنی: من هم مزاح می کنم، ولی بغیر از حقّ، چیزی نمی گویم.

در باره سیره امام صادق (ع)، به این نکته اشاره شده است که: "كان كثير الدعابة و التبسّم".

یعنی: آن حضرت، اهل مزاح بودند و همیشه لبخند بر لب داشتند.

امام جعفر صادق (ع) در روایتی دیگر می فرماید:

إِنَّ الْمَدَاعِبَةَ مِنْ حَسَنِ الْخَلْقِ.

یعنی: مزاح و لطیفه گوئی، از نشانه های حسن خلق است.

حدود و ثغور مزاح

نکته مهمی که در اینجا باید به آن پردازیم این است که در آئین اسلام، برای شوخی و لطیفه گوئی، حدّ و مرز، و خطّ قرمزهایی در نظر گرفته شده است، تا در عین حال که جوّ گفتگو میان مردم با شوخی و مزاح، تلطیف می شود، اما شوخی های بی جا و زننده، باعث ایجاد دشمنی و کدورت میان مردم، و ارتکاب فعل حرام از نظر شریعت مقدّس اسلام نگردد.

برخی از شروط اساسی برای مزاح و بذله گوئی، عبارتند از:

الف- عدم افراط در مزاح

امام علی (ع) می فرماید:

من کثر مزاحه یتستخفّ به، و من کثر ضحکه ذهبت هیبتّه.

یعنی: هر که مزاحش زیاد گردد، در نظر مردم، خفیف و سبک خواهد شد، و هر که زیاده از حدّ بخندد، هیبت و شکوهش در نزد دیگران زایل می گردد.

ب - حفظ وقار و شخصیت

توصیه دیگر پیشوایان اسلام این است که شوخی یک فرد باشخصیت به نحوی نباشد که مایه زوال قدر و منزلت او گردد، و سخنان دیگر او را در نزد مردم، بی اعتبار سازد.

از اینرو، در حدیثی چنین می خوانیم"

الکامل من غلب جده هزله.

یعنی: انسان کامل کسی است که جنبه جدی بودن او بر هزل و شوخی او غلبه داشته باشد.

ج - پرهیز از هرزه گویی و گناه

شرط دیگر مزاح این است که به بهانه شوخی و بذله گویی و به خاطر خنداندن دیگران، مرتکب معصیت هایی مانند استهزاء، عیبجویی، و به کار بردن لقب های زشت برای دیگران نشویم.

امام صادق (ع) در این زمینه می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ الْمَدَاعِبَ فِي الْجَمَاعَةِ بَلَا رَفْتٍ.

یعنی: خداوند، انسان شوخ را که در میان مردم بدون ارتکاب گناه، لطیفه گویی می کند، دوست دارد.

از اینرو، قرآن کریم در آیه یازدهم سوره حجرات، از مسلمانان می خواهد تا این خطّ قرمز ها را مراعات نمایند، و در این زمینه چنین می فرماید:

"ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نباید گروهی از مردان شما گروه دیگر را مسخره کنند، شاید آنها از این گروه بهتر باشند؛ و نباید زنانی بانوان دیگر را استهزا کنند، شاید آنان بهتر از اینان باشند؛ و یکدیگر را مورد طعن و عیبجویی قرار ندهید و

با القاب نا روا یکدیگر را یاد نکنید، بسیار بد است که بر کسی پس از ایمان، نام ناپسند بگذارید؛ و آنها که توبه نکنند، ستمگر هستند."
